

دستآورد مجسمه‌سازان

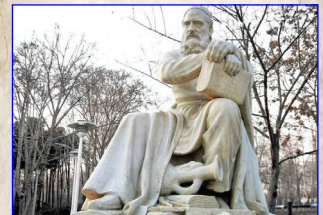
پایتخت

موقعیت:
فضاهای
شهری

موضوع:
دوره‌های
مجسمه‌سازی
در تهران

«میرزا علی اکبر» را می‌توان نخستین مجسمه‌ساز تهرانی دانست که مجسمه ناصرالدین‌شاه را ساخت. بعد از آن کمال‌الملک و افرادی که تحت نظر او آموزش دیده بودند (از جمله ابوالحسن افغانستان صدیقی و شاگردانش، رضارحیم ارژنگ‌زاده یا حسنعلی وزیری و علی اکبر صنعتی) افرادی هستند که در اثرگذاری این هنر در تهران نقش اساسی داشتند.

به اعتقاد استاد حمید شانس، مجسمه‌ساز، می‌توان مجسمه‌های به یادماندنی تهران را که خاطره‌ساز شده‌اند، به ۴ دوره مختلف تفکیک کرد. او می‌گوید: «دوره اول همان دوره ناصرالدین‌شاه است که ابتدایی‌ترین ساخت در این دوره شکل می‌گیرد. دوره دوم با دوران سلطنت پهلوی اول و در زمان شکل‌گیری نهادهای شهری رخ می‌دهد. سومین دوره به جامعه مدرن طبقاتی در زمان حکومت محمدرضا پهلوی مرتبط است و در نهایت هم اکنون که گذار به جامعه خدماتی است و در این دوره این هنر کامل می‌شود. در واقع باید گفت مجسمه‌مشاهیر در کشور ما با ۳ جریان اول مرتبط است. برای اینکه این سه جریان مسئله محوری‌شان شکل‌گیری، رشد مدرنیته، ملی‌گرایی و ناسیونالیسم است، اما مجسمه‌سازی شهری یاد دیگر هنرهای شهری فقط پاسخ دادن به نیاز به بزرگداشت چهره‌ها و شخصیت‌ها نیست، چون شهرهای خدماتی



همچون تهران رشد و توسعه پیدا کردند و این شهرها، نهادهای مختلفی دارند. از سوی دیگر نباید از عرصه عمومی این شهر خدماتی غافل شد، چرا که منظر شهری دیدگاه شهروند را کنترل می‌کند و شهرها به سرعت به سمتی پیش می‌روند که اهمیتشان بیش از مفهوم کشور خواهد بود. در چنین شرایطی، هنر شهری نه تنها باید نیازهای گذشته را برطرف کند بلکه برای ساختار این دوره تا زمان آینده هم باید تعاریف و امکانات خودش را داشته باشد و پتانسیل‌هایش را ایجاد کند.»

حمید شانس دلایل استفاده از هنر‌ها از جمله مجسمه‌سازی در منظر شهری را برمی‌شمارد: «موضوع مشارکت شهروندی، دلیل نخست استفاده از این هنر در شهر است. چون نمی‌توان شهرهای آینده را بدون مشارکت شهروندی شکل داد. دومین دلیلی که اهمیت بسیاری دارد، فضاهایی است که ما با هنر برای شهر آینده و انسان آینده خلق می‌کنیم.»

پیکره‌های خاطره‌انگیز تهران

تهران، مجسمه کم ندارد. پیکره‌های خاطره‌انگیزی که به میدان، معبر و خیابان جان بخشیده‌اند و با زندگی مردم در آمیخته‌اند. این مجسمه‌ها نقش مهمی در هویت‌بخشی به پایتخت دارند و نمادی از فرهنگ، تاریخ و هویت تهران هستند. این آثار هنری می‌توانند حس تعلق و پیوند اجتماعی را تقویت کنند و به فضای عمومی شهرمان معنا و عمق بیشتری ببخشند. همچنان که مجسمه‌های تاریخی و قدیمی تهران (از مجسمه فردوسی گرفته تا مجسمه امیرکبیر در پارک ملت و بسیاری دیگر از آثار حجمی خاص و بی‌نظیر) این حس تعلق را از دیروز تا به امروز بر ایمان محفوظ داشته‌اند. این شماره همشهری محله حاصل چهل و سومین نشست مرکز تهران پژوهی همشهری است با عنوان «پیکره‌های جاودان» که با حضور استادان بنام مجسمه‌سازی چون حمید شانس، منصور آذری و کیوان پورنصری‌نژاد، با اجرای محمود منیعی برگزار شد. همچنین با سید مجتبی موسوی از استادان مجسمه‌سازی و علیرضا زمانی، تهران پژوه گفت‌وگو کرده‌ایم.



حمید شانس



سید مجتبی موسوی



کیوان پور نصری نژاد



علیرضا زمانی



منصور آذری



محمود منیعی

مجسمه‌ساز مردم کوچه و خیابان

تردد بی‌وقفه مقابل ساختمان قدیمی موزه استاد صنعتی جریان دارد. اما آدم‌های شهر شلوغ و پرهیاهوی ما کمتر وقت می‌کنند سری به داخل این بنای تاریخی بزنند و مجسمه‌هایش را ببینند. اینجا آثار پرکارترین مجسمه‌ساز ایرانی به یادگار مانده است. سید مجتبی موسوی، مجسمه‌ساز و استاد دانشگاه می‌گوید: «وقتی از مجسمه‌های تهران سخن می‌گوییم نباید از موزه استاد صنعتی غافل شویم؛ چون ایشان خالق شاخص‌ترین و خاص‌ترین مجسمه‌هایی هستند که از دل زندگی مردم کوچه و خیابان جان گرفته‌اند.» تا قبل از استاد علی اکبر صنعتی، مجسمه‌سازی (به خصوص در زمینه پیکره‌تراشی) به سمت چهره‌های فاخر و مشاهیر گرایش داشت. استاد صنعتی، که کودکی پررنجی را تجربه کرده بود برای نخستین بار به جای خلق چهره‌های مغرور و گشاده‌روی، صورت‌های چروکیده و خسته را ساخت؛ به جای طراحی لباس‌های فاخر، پوشش مجسمه‌هایش ساده بود و گاهی ژولیدگی را فریاد می‌زد.

موسوی درباره استاد علی اکبر صنعتی می‌گوید: «استاد علی اکبر صنعتی کودک بود که پدرش بر اثر ابتلا به بیماری طاعون در گذشت. مادرش به دلیل فقر و تنگدستی او را به یتیم‌خانه می‌فرستد؛ یتیم‌خانه‌ای در کرمان که مرحوم حاج علی اکبر صنعتی زاده بانی‌اش بود. حاج علی اکبر صنعتی زاده بعدها به نام فامیل خودش برای بچه‌های یتیم‌خانه شناسنامه گرفت و چون دریافت بود که علی اکبر استعداد بی‌نظیری در هنر دارد او را به تهران فرستاد تا در زمینه هنر نزد استادانی

همچون حسین بهزاد و ابوالحسن صدیقی مجسمه‌ساز رموز هنر را فرا بگیرد. او را می‌توان پرکارترین مجسمه‌ساز ایرانی نامید؛ صدها مجسمه ساخته است. او تنها هنرمندی است که دوموزه به نامش است یکی در کرمان و دیگری در تهران. استاد صنعتی برای خلق آثارش به دل‌زندگی مردم می‌رفت. او در آشنای مردم بود؛ برای همین او را به نام مجسمه‌ساز مردم کوچه و خیابان می‌شناسند.» علی اکبر صنعتی در دوران اوج و شهرت هم هیچ‌گاه روزهای کودکی‌اش

موضوع:
پرکارترین
مجسمه‌سازی
که روایتگر رنج
مردم بود

موقعیت:
ضلع غربی
میدان امام
خمینی (ه)

را فراموش نکرد و همیشه به فکر کودکان یتیم و نیازمند بود. او به یتیم‌خانه پسر حاجی در تهران (که رویه روی موزه هنرهای ایران باستان بود) می‌رفت و به کمک بچه‌های آنجا مجسمه‌هایی ساخت و در یتیم‌خانه به نمایش گذاشت. از مشهورترین کارهای استاد صنعتی، «فرشته عدالت» است که بر سرد دادگستری تهران قرار گرفته. اثری که با همراهی استاد ابوالحسن صدیقی و ارژنگ رحیم‌زاده طراحی و ساخته شد. مجسمه «زندانیان» او در موزه صنعتی نیز بسیار دیدنی است.

ماجرای تاج‌گذاری ژازه، شاعر مجسمه‌های آهنی

در ورودی خانه هنرمندان در خیابان ایرانشهر، دو اسب آهنی خودنمایی می‌کنند. این تندیس‌ها از آثار ژازه تباتبایی است که در شهر نصب شده است. او را شاعر مجسمه‌های آهنی لقب داده‌اند چرا که چنان هنرمندانه بالاشه‌های آهنی، پیچ، مهره و چرخ‌دنده‌های اسقاطی پیکره‌های خاص و چشم‌نواز می‌ساخت که گویی برایت شعر می‌خوانند. گاراژدارهای میدان شوش، میدان خراسان و سهرآه آذری، ژازه تباتبایی را به خوبی می‌شناختند چرا که او ساعت‌ها به اسکلت‌های فلزی ماشین‌های اسقاطی می‌نگریست طوری که گویی شیفته‌شان شده است. سید مجتبی موسوی، مجسمه‌ساز در این باره می‌گوید: «استاد ژازه تباتبایی با نام اصلی سید علی طباطبایی در یکم فروردین سال ۱۳۰۵ در تهران متولد شد. استاد ژازه مجسمه‌ساز، نقاش، شاعر و نمایشنامه‌نویس بود و شاید همین علاقه او به شعر و نمایشنامه‌نویسی باعث شده بود تا شاعرانگی در مجسمه‌هایش هویدا باشد. خانه او در کوچه پاییز خیابان طالقانی به عنوان نخستین گالری هنری تهران به نام «گالری هنر جدید» محفل هنرمندان بود. خانه‌ای که همچنان وجود دارد و سال‌هاست در انتظار تبدیل به خانه‌موزه آثار ژازه تباتبایی در هایش قفل شده است.» این استاد دانشگاه درباره سبک تباتبایی می‌گوید: «شهرت او بیشتر برای فیگورهای خلاقانه و مجسمه‌های فلزی است که با جفت‌کاری قطعات فلزی ماشین آلات صنعتی و اتومبیل‌ها ساخته است.» روز تاج‌گذاری ژازه یکی از خاطره‌انگیزترین روایت‌هایی است که در مورد او نقل می‌کنند. سید مجتبی موسوی می‌گوید: «در همان ایامی که مراسم تاج‌گذاری محمدرضا پهلوی در تهران انجام شد، ژازه نیز با دعوت از دوستان و هنرمندان مراسم تاج‌گذاری برای خود برگزار کرد. او تاجی از پیچ و مهره ساخت و بر سر خود نهاد. روحیه طنز و شوخ‌طبعی داشت و همین روحیه باعث



موضوع:
مجسمه‌های
آهنی ژازه
تباتبایی

موقعیت:
ورودی خانه
هنرمندان در
خیابان ایرانشهر



شده بود تا مجسمه‌های آهنی‌اش روح داشته باشند.»

پرویز کلاتری، نقاش معروف درباره ژازه نوشته است: «به خانه‌اش که رفتم آدم آهنی در راه رویم باز کرد و با صدای فلزی گفت: خوش آمدید! شنیده بودم که ژازه در کار جادوگری و کیمیاگری است اما باورم نمی‌شد که مجسمه‌های فلزی جاندار هم ساخته باشند.» در مجسمه‌های ژازه تباتبایی میل سوپاپ، رینگ و یاتاقان، چرخ‌دنده، پیستون، مهره و فنر آدم شده‌اند. همه اینها ترکیبی بی‌نظیر از آهن خشن نرم و مهربان شده را به تصویر کشیده است. مجسمه‌های ژازه در موزه‌هایی مانند لوور پاریس، متروپولیتن نیویورک، هنرهای معاصر تهران، نگارخانه سیحون تهران، پریوات کلکسیون المان و مجموعه‌های شخصی افراد شناخته‌شده قرار دارند.